



یادداشت

مهدی یزدانی خرم*

به مناسبت روز جهانی داستان کوتاه اضطراب نوشتن یک داستان در نیمه‌شب‌ی بارانی یا حتی آفتابی

داستان کوتاه؛ و سوسه‌ای که همیشه در ادبیات ایران جذابیت‌های خاصی داشته است. سوسه‌ای برآمده از دوره‌های مختلف زندگی اضطرابی نسل‌های مختلف ایران. هر چند ادبیات داستانی عملا با رمان ناصرالدین شاه و بعدش رمانس‌های دوران پاپائی قاجار ثبت و متولد می‌شود، مبدأ اصلی در ورود این ادبیات را محمدعلی جمالزاده و تا حدودی صادق هدایت رقم می‌زنند که در داستان کوتاه خیره‌اند. در تمام ادوار مختلف ادبیات داستانی در ایران بسیاری از مهم‌ترین نویسندگان جریان‌ساز از میان کوتاه‌نویسان برآمدند که این امر عملا در جهان هم‌بی سابقه است؛ چه هنگام که خوبی می‌داند قلب ادبیات در رمان نویسی می‌تپد. اما در ایران و حضور آن زیست از هم‌پاشیده مدام در معرض تخریب، درک کودتاها، شورش‌ها و انقلاب، جنگ و سخت‌گیری و انسداد، همه و همه پیش از هر فشری بر نویسندگان تأثیرش را گذاشت. به همین خاطر انکار نطفه ذهن مدرن این نویسنده را با داستان کوتاه، به‌ویژه در دهه چهل به ثمر رساندند و همین امر تبدیل شد به سنت. جوری که حتی بسیاری از رمان‌نویسان نسل قبل ادبیات ایران چند مجموعه داستان هم دارند.

فارغ از نام‌هایی چون بهرام صادقی یا آل احمد و ساعدی که قدرت‌نمایی‌شان در داستان کوتاه است، کافی است به یاد اوریم کوتاه نویسی نویسندگانی چون صادق چوبک، هوشنگ گلشیری، ابراهیم گلستان و امثالهم. را. درواقع داستان کوتاه در ایران تاده سال گذشته در بیان نوآوری و تلاش برای ورود به عرصه جدی نویسندگی حرف نخست را می‌زند و بسیاری از زمان نویسان حرفه‌ای مانند اسماعیل فصیح یا جعفر مدرس صادقی دیرتر از موعد به جایگاه خود می‌رسند. اما قسه امروز ما و داستان کوتاه چیز دیگری است. نویسنده امروز ایرانی دریافته که دیگر آن شکل مجموعه‌نوشتن و جمع‌آوری داستان‌هایی‌کنار هم و انتشارشان عملا شکست خورده است. بهترین کوتاه‌نویسان ۱۰ سال گذشته مانند پیمان اسماعیلی، حافظ خیاوی یا علی خدایی به خوبی دریافتند که داستان‌هاشان بایدفضایی کلی بسازد، صاحب‌جهانی باشد که مثلا در کتاب‌های پیمان هوشمندزاده درکشان می‌کنیم یا رویه‌ای که مثلا نمونه‌اش را می‌توان در داستان‌های کوتاه یعقوب یادعلی دید. داستان کوتاه بی‌تردید ژانر نخبگان است. ما عملا و به مفهومی که در رمان درک‌اش کرده ایم داستان کوتاه زرد یا عام‌پسند نداریم؛ مگر ناله‌هایی قطعه ادبی‌وار که اصولا حساب‌شان از داستان جداست. داستان کوتاه این روزها در قالب کتاب کم خواننده می‌شود؛ مگر بتواند مخاطب تشنه غافلگیر شدن و قصه را چنان میخکوب کند که نفس اش بند آید. و خوب، مگر چند مجموعه‌داستان با این توصیف در سال منتشر می‌شود. از سویی دیگر بسیاری از نویسندگان این نسل از داستان کوتاه پلی می‌زنند به سوی رمان. روندی که در بسیاری وقت‌ها بد و مغلوط از آب درمی‌آید، چه ذهن رمان نویس کاملا با داستان کوتاه نویس متفاوت است و این امر به تربیت خوانشی و دانشی و روایی نویسنده مذکور و انتخاب او بازمی‌گردد. برای همین یک‌مجموعه‌داستان متوسط حتی بدتر از یک رمان نیمه‌ضعیف زمین می‌خورد. و یک مجموعه‌داستان در خشکی می‌تواند نویسنده‌اش را بر آوج ببرد در فرایندی سریع‌تر. به همین خاطر است که اصولا به داستان کوتاه چندان با دیده اغماض نگاه نمی‌شود کرد؛ چون مخاطب عمده‌اش نیز از بخش کتاب‌خوان‌تری است که بیش ازیر و بیم داستان‌اشنایی دارد و نمی‌توان او را به‌راحتی به کف آورد. داستان کوتاه باید در هویت خود چنان مجرد و خودبسنده شود که بتواند برش (بخوانید زخم) عمیقی بر ذهن خواننده‌اش وارد کند و خود را متمایز و این رویه با انتخاب نویسنده صورت‌می‌گیرد.

با ایجاد منش و جهانی که درش چند داستان کوتاه با هویت‌های مستقل بیان‌گر روحی مشخص و متمایز هستند چه کلی نوشتن و انتشار تمام تجربه‌هایی که در یک دوره زمانی مشخص انجام شده دیگر نمی‌تواند کتابی را دستگار کند. و چنین است که نوشتن داستان کوتاه از جهتی دشوارتر از زمان است و از سویی فرصت‌ها و امکانات متفاوتی به نویسنده‌اش می‌دهد.

***داستان‌نویس و روزنامه‌نگار**

شاهنامه را برای عموم مردم می‌خواست
دکتر قائمی، مرحوم عزیزا... جوینی را این‌گونه توصیف می‌کند: استاد جوینی با اینکه چهره‌ای دانشگاهی و علمی بود، شاهنامه را برای عموم مردم می‌خواست. این طریق اندیشه او می‌تواند سرمشق همه باشد؛ و به‌ویژه برای برخی اهالی دانشگاه که پژوهش را به حوزه انتزاعی و مبانی غیرکاربردی نظری نزدیک می‌کنند و سوسیه عمومی و اجتماعی ادبیات را از خاطر می‌برند.

عضو خردسرای فردوسی ادامه می‌دهد: جوینی هیچ کتابی را برای مرجع شدن یا مورد سلام و صلوات قرار گرفتن در مجامع دانشگاهی نمی‌نوشت؛ خود این نکته در جامعه دانشگاهی ما که روز‌به‌روز بیشتر از واقعیت‌های زندگی اجتماعی فاصله می‌گیرد، می‌تواندیک یادآوری‌ی حتی هشدار باشد.

در حوزه قرآن و تفسیر جایگاهی و‌الاداشت

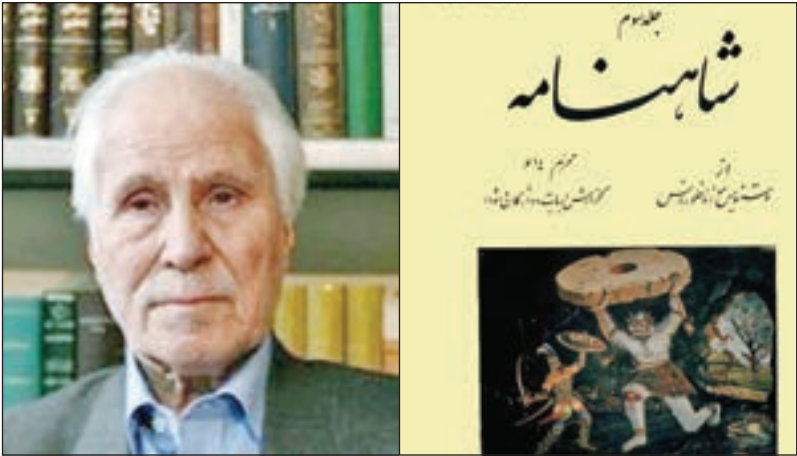
این استادیار زبان و ادبیات فارسی، شادروان جوینی را پژوهشگری در حوزه قرآن، تفاسیر ونهیج البلاغه معرفی می‌کند و می‌افزاید: با توجه به دوجوه بودن تحصیلات مرحوم جوینی در دو سطح دانشگاهی و حوزوی وی که می‌توان او را پیش و بیش از آنکه پژوهشگر شاهنامه لقب داد، پژوهشگری در حوزه قرآن و تفسیر معرفی کرد.

وی با اشاره به آثار آن مرحوم می‌گوید: از او آثار بسیاری به یادگار مانده است؛ مانند شرح ویرایش او بر کتاب «خمسه» اثر «حکیم نظامی گنجوی» که در سال ۱۳۷۵ به عنوان کتاب سال مورد تشویق قرار گرفت. همچنین از این شخصیت علمی تصحیح کتاب «تفسیر نسفی» اثر «امام ابوحنفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی»، تصحیح کتاب «فرهنگ مصادر اللغه»، تصحیح و شرح واژگان کتاب «فرهنگ مجموعه الفرس»، تألیف «ابو العلاء عبدالمومن جاروتی»، تصحیح کتاب «نهج البلاغه» و تصحیح کتاب «مفردات قرآن» از مؤلفی ناشناس متعلق به سده پنجم، چاپ و منتشر شده است.

۸۰مقاله درباره فردوسی، حافظ و ناصر خسرو

عضو خردسرای فردوسی، آثار دکتر عزیزا... جوینی در حوزه فردوسی‌شناسی و خدمات او به نویسندگی علمی به شاهنامه را نیز این‌گونه برمی‌شمرد: از وی بیش از ۸۰مقاله علمی درباره فردوسی، حافظ و ناصر خسرو به یادگار مانده است. همچنین نگارش داستان رستم و سهراب به نثر برپایه دستنویس موزه فلورانس، تألیف گزارش‌واژگان دشوار و برگردان همه ابیات شاهنامه به فارسی روان، تألیف کتاب نبرد اندیشه‌ها در داستان

ادبیات و اندیشه



مروری بر خدمات دکتر عزیزا... جوینی

در گفت‌وگو با دکتر قائمی

شاهنامه برای همه مردم

هما سعادت‌مند- نام دکتر عزیزا... جوینی، شاهنامه‌پژوه، نسخه‌شناس و مصحح متون کهن ادبی را باید در ردیف بزرگانی نوشت که برای احیا و معرفی شاهنامه فردوسی تلاش کرده‌اند؛ تصحیح نسخه دستنویسی از شاهنامه که در موزه فلورانس ایتالیا قرار دارد، شاخص‌ترین اثر به‌جامانده از این خراسان‌زاده است. در کنار آن، برگردان شاهنامه به گونه‌ای که برای عموم مردم قابل درک و دریافت باشد، هنری است که او خود را به آن آراسته‌بود. این استادا ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۲۵ بهمن ۱۳۹۱ در هشتادوهفت‌سالگی بدرود حیات گفت. سطرهای پیش رو حاصل گفت‌وگو با دکتر فرزاد قائمی، مدرس دانشگاه و عضو خردسرای فردوسی، است که در آن به مرور خدمات و معرفی آثار این شخصیت ادبی بر جسته پرداخته است.

رستم و اسفندیار (برپایه دستنویس موزه لنینگراد) و تألیف داستان‌های فرود، سیاوش، زال وروده‌ایه و بیژن و منیژه به نثر از دیگر آثار اوست.

ویرایش شاهنامه از روی دستنویس فلورانس

تصحیح و ویرایش شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی از روی دستنویس موزه فلورانس ایتالیا در هشت جلد، مهم‌ترین اثر به جای مانده از شادروان جوینی است که دکتر قائمی درباره آن می‌گوید: چاپ دوره هفت جلدی این اثر از ۱۳۷۷ به‌وسیله انتشارات دانشگاه تهران آغاز شد و نزدیک به ۱۵ سال ادامه یافت. متأسفانه با وفات استاد جوینی در بهمن ۱۳۹۱، هشتمین و آخرین جلد این کتاب با تأخیر یک‌ساله منتشر شد.

این مدرس دانشگاه می‌افزاید: دستنویس

کتابخوان

معرفی کتاب «حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی»

ساده و صریح درباره شاهنامه

انتشارات ققنوس در سال جاری کتابی به نام «حماسه و نافرمانی» منتشر کرد که روی جلد و زیر عنوان اصلی آن عبارت «بررسی شاهنامه فردوسی» آمده است. نویسنده این کتاب دیک دیویس، نویسنده و مترجم برجسته انگلیسی و دانش‌آموخته ادبیات انگلیسی از دانشگاه کمبریج است. او همچنین در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه منچستر درجه دکتری دریافت کرده است. طبق

از نسخه‌های بدل استفاده نمی‌کرد
قائمی درباره روش کار این استاد فقید در تصحیح شاهنامه بیان می‌کند: در بسیاری از تصحیح‌های علمی رایج، نسخه‌های بدل نیز بررسی می‌شوند اما جوینی از این نسخه‌های بدل استفاده نمی‌کرد؛ او ضمن ویرایش شاهنامه بر پایه نسخه اصلی که در موزه فلورانس موجود است، کار خود را با شاهنامه به تصحیح خالقی مطلق و دیگر مصححان و همچنین تصحیح چاپ مسکو تطبیق می‌داد و در کنار آن، دشواری‌های هر بیت و بخش را نیز توضیح می‌داد.

عضو خردسرای فردوسی، ادامه می‌دهد: عزیزا... جوینی افزون‌بر ارائه‌تصحیحی از نظم شاهنامه که البته بیشتر ویرایش است تا تصحیح انتقادی، داستان‌ها را به نثر هم آورده است. او قصد داشت مجلد دیگری هم به «نمایه و کشف الابیات» اختصاص دهد و در آخر، کار تصحیح «شاهنامه» فردوسی بر اساس نسخه فلورانس را با ۹ جلد به انجام برساند که این فرصت را پیدا نکرد.

چاپ شاهنامه ویرایشی او، کتاب سال شد

وی یس‌آ‌آور می‌شود: چاپ شاهنامه به ویرایش عزیزا... جوینی، در سال ۱۳۸۹ به عنوان کتاب سال دانشگاه‌های ایران انتخاب شد و جوایزی نیز به استاد اهدا شد. همچنین در سال ۱۳۹۰ به مناسبت چهلمین سال تأسیس انتشارات دانشگاه تهران از زحمات مرحوم جوینی با اهدای لوحی توسط دکتر حداد عادل، تقدیر شد. در کنار این‌ها جلد سوم شاهنامه دکتر جوینی به عنوان منبع کتاب درسی دانشگاه پیام نور در مقطع تحصیلات تکمیلی نیز معرفی شده است.

رشد فرهنگ تعامل با استفاده از شاهنامه

دکتر قائمی، جوینی را یکی از نخستین کسانی می‌داند که کوشیده است ابیات شاهنامه را کامل شرح دهد. وی می‌گوید: در این شرح فقط به مخاطبان آکادمیک نظر نداشته است و از بیان ساده‌ترین دشواری‌ها دریغ نکرده است؛ این نکته گواهِ نگاه اوبه مخاطب عام است. از سویی اینکه او در کنار ویرایش و گزارش، کتاب را به نثر نیز بازگردانده است از اهتمام وی برای رشد فرهنگ تعامل در جامعه، آن هم با استفاده از این اثر ملی حکایت دارد.

این مدرس دانشگاه می‌افزاید: شاید شاهنامه او به عنوان یک تصحیح انتقادی درجه یک در سطح عالی قابلیت طرح نداشته باشد، ولی فضل تقدم او در بسیاری از زمینه‌ها و اهتمامش در احیای این اثر بزرگ، تلاشی ستودنی و درخور تمجید است.

معرفی کتاب «حماسه و نافرمانی: بررسی شاهنامه فردوسی»

ساده و صریح درباره شاهنامه

تقدنویسی انگلیسی است، به فرم و محتوای شاهنامه نگاه کرده و عناصر زیبایی‌شناختی هنر فردوسی را پیش روی خواننده نهاده است و البته هر جا که به گمانش رسیده عیبی دارد، آن را نیز گفته است.»

«حماسه و نافرمانی» را سهراب طاووسی به فارسی برگردانده است. این کتاب در ۲۵۶ صفحه‌راهی پیشخوان کتابفروشی‌ها شده است.

فرتور و فرهنگ

مجموعه داستان «سنگ یحیا»، نامزد دهمین دوره جایزه جلال در حوزه هنری مشهد نقد شد

نبود نگاه متفاوت به جنگ در داستان

کرد: برخی تمهیداتی که نویسنده برای پنهان کردن اطلاعات داستانی به‌کار برده، ضعیف است و درواقع مخاطب را فریب داده است که این، اتفاق خوبی نیست.

بازتاب جنگ در زندگی مردم

علی‌برای گجوان نیز در تحلیل این مجموعه گفت: داستان‌ها بیش از آنکه روایتگر مستقیم خود جنگ باشند، بازتاب‌ها و تأثیرات جنگ را در زندگی مردم روایت می‌کنند و ما با شخصیت‌هایی واقعی در این مجموعه روبه‌رو می‌شویم که داستان‌ها را جذاب کرده‌اند.

نویسنده مجموعه داستان «پسر من قاتل است» افزود: نویسنده در برخی از داستان‌ها به خوبی از نشانه‌ها استفاده کرده است.

فاطمه خلخالی استاد، دیگر نویسنده حاضر در نشست بود. وی نبود نگاه کلیشه و مقدس‌مایانه به جنگ را در مجموعه سنگ یحیا تأیید کرد و گفت: اما این موضوع، دیگر برای داستان‌های جنگ امروز، مزیتی به‌شمار نمی‌رود و در واقع باید آن را پیش‌فرض برای نوشتن داستان‌های این حوزه در نظر گرفت؛ چرا که ما نزدیک به یک دهه است از این مرز عبور کرده‌ایم.

نویسنده مجموعه داستان «نزدیک‌تر بیا» خاطرنشان کرد: آنچه امروز در داستان‌های حوزه جنگ، مزیت به‌شمار می‌رود، نگاه متفاوت و همراه‌کردن مخاطب امروز با داستان است تا درواقع او مجاب شود که پای خواندن داستان‌های جنگ بنشیند. این نگاه متفاوت کمتر در مجموعه سنگ یحیا دیده می‌شود.

۷



درنگ

سایه اقتصادی‌نیا

با بیژن جلالی در برف

چه سعادتی است وقتی که برف می‌بارد دانستن اینکه تن پرنده‌ها گرم است.

بیژن جلالی شاعر غربی‌بی بود. او با شعرهای سپید کوتاهش، با درنگ‌های فلسفی و جست‌وجوهای معنوی‌اش، با گریزش از «ابتدال نادلپذیر روشنفکری»، با تردیدش در هر چه جزم و مطلق می‌نمود، در میانه آشوب و حاجی‌لنگش کن دهه چهل و پنجاه شمسی چه می‌کرد؟ چه می‌گفت که به تأملی بیازد و اصلا کی حوصله‌او را داشت آن وسط؟ پرت افتاده بود و غریب هم ماند و اگر نبود، کمی بیش از هفت‌هشت‌ده نفر پیدا می‌شدند که روز خاکسپاری‌اش، در آن سوز سرما، پوست و استخوانی را که از اش مانده بود دفن‌کنند.

فرمی که بیژن جلالی مدیع آن بود، در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی ناقص الخلقه به نظر می‌رسید اما پس از مرگش و به‌ویژه در دو دهه اخیر، به برسام‌ترین قالب شعر فارسی بدل شد: شعر سپید کوتاه. او که شاعری تنها و گوشه‌گیر بود لابد هرگز گمان نمی‌کرد که این فرم در سال‌های پس از او محبوبیتی انفجاری بیابد و اینسان همه‌گیر شود. اما چطور فرمی که چون نوآدی نارس پس از تولد از سینه مادر جدا نمی‌شد و به خود جلالی محدود مانده بود، چند دهه بعد به اصلی‌ترین شریان شعر معاصر تبدیل شد؟ آیا از جمله به این دلیل نبود که گوش‌ها پر بود از شایسته‌نشایست، از شیپور بیداری و بانگ خروس و هل من مبارز؟ آیا اقبال به فرم ابداعی او در دهه‌های هفتاد و هشتاد و بالاخص نگه داشتن آن فرم در اختصا همان محتوای آرام هستنی‌شناسانه نشانه‌ خستگی گوش‌ها از شنیدن و مُشت‌ها از کوبیدن نبود؟ در شعر او چه‌رازی گفته‌شد؟ و چه‌رازی پنهان ماند؟

بی‌شک آنکه گرم بودن تن پرنده‌ها در برف را سعادت می‌خواند، محکوم به تنهایی است و شعر او، چون خودش، تنها زندگی می‌کرد. در حاشیه همه چیز و در حاشیه مرگ، ولی دانسته و ندانسته در خانه زیبایی بود.

*عبارت دون‌گیومه تعبیری است از کامیار عابدی.

فراخوان

مرداد ۹۷، مهلت آخرین جشنواره کبوتر حرم



فراخوان چهاردهمین جشنواره ملی داستان کوتاه رضوی با عنوان جشنواره «کبوتر حرم» منتشر شد. طبق متن فراخوان این جشنواره که جزو مجموعه برنامه‌های شانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی امام‌رضا (ع) است، قالب‌هایی چون رمان از شرکت‌کنندگان پذیرفته نمی‌شود. مسک زندگی و سیره زندگی امام‌رضا (ع) و حضرت موسی‌بن‌جعفر (ع)، تعالیم و آموزه‌های رضوی بارویکرد کار، تلاش و خدمت‌رسانی؛ آثار هجرت امام‌رضا (ع) به ایران؛ خاندان، اصحاب و یاران امام‌رضا (ع)؛ فرهنگ زیارت؛ امام‌رضا (ع)، خانواده و کودکان و نوجوانان؛ امام‌رضا (ع)، طبیعت، محیط‌زیست و نماز باران؛ مناظرات امام‌رضا (ع) با ادیان مختلف و دیگر موارد مرتبط موضوعاتی هستند که شرکت‌کنندگان باید داستان‌های خود را درباره آن بنویسند. همچنین نوآوری در انتخاب طرح و شیوه ارائه داستان، مهم عنوان شده است. یکی از قیده‌های شرکت در این جشنواره، حائز رتبه نشدن آثار ارسال‌ی در دیگر جشنواره‌ها و دوره‌های قبلی «کبوتر حرم» است. مهلت ارسال آثار ۵ مردادماه ۱۳۹۷ و زمان برگزاری این پایانی جشنواره ۱۰ شهریور ماه ۱۳۹۷ هم‌زمان با میلاد امام موسی کاظم (ع) ذکر شده است. علاقه‌مندان می‌توانند داستان‌های کوتاه خود را از طریق آدرس‌ها seman.shamstoos.ir و seman.shamstoos.ir فرستند یا برای کسب اطلاعات بیشتر به نشانی‌های اینترنتی seman.shamstoos.ir و portal.shamstoos.ir مراجعه‌کنند. شماره تلفن ۰۲۳-۳۳۳۴۰۸۵۱ نیز از راه‌های ارتباط با این جشنواره است.